
کرامت انسانی و شهروندی متعهد در دولت کریمه^۱

دکتر غلامرضا بهروزک^۲

۱. این مقاله به هفتمین همایش گفتمان مهدویت مؤسسه فرهنگی انتظار نور ارائه شده است.

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام - قم.

چکیده

با وجود آن که دنیای مدرن غربی، با شعار انسان محوری تلاش کرده است کرامت انسانی را تأمین نماید، تجربه چند سده حاکمیت تفکر مدرن غربی نشان داد چنین شعاری عملاً به اسارت انسانی در عالم مادی انجامیده و عزت و کرامت واقعی انسانی را در دام هوس‌های زودگذر دنیوی به مخاطره انداخته است؛ از این رو لازم است با تبیین الگوی شهروندی و چگونگی تحقق عزت و کرامت انسانی در دولت مهدوی، راه حل نهایی و کامل برای ایفای نقش شهروندی با تأکید بر مدینه فاضله مهدوی برای جهان امروز و انسان بحران‌زده غربی ارائه شود، تا با درک مزایای چنین دولتی همگان اشتیاق لازم را برای چنین دولتی کسب کنند.

کلید واژه‌ها: شهروندی، شهروندی متعهد، دولت کریمه، کرامت انسانی.

مدخل

انسان، اشرف مخلوقات بوده و خداوند، بنی آدم را تکریم کرده است. در قاموس قرآن، انسان صاحب عزت و کرامت است. خداوند، او را جانشین خویش بر زمین معرفی کرده و مقام او را تا بدان جا ارتقا می‌بخشد که حتی از فرشتگان فراتر رفته و مسجود آنان می‌شود. هر چند انسان، شریف است، شیطان رجیم از همان لحظه طغیان خویش قسم یاد کرد خود با لشکریانش بر کمین او بنشینند. چنین بود که در طول تاریخ، انسان همواره در معرض انحطاط قرار گرفت و در مواردی از مقام علوی خویش تنزل کرده، گاه از چهارپایان نیز کم‌بهاتر شد و اغلال و قید و بندهای مختلف، او را به حسیض ذلت فرو برد. به تعبیر قرآن کریم، انبیاء همواره در صدد آزاد کردن انسان از این اغلال و قید و بندها بودند، تا کرامت او را بدو باز بخشند؛^۱ اما همواره طاغیانی بوده‌اند که با ایجاد انحرافات از یک سو و ایجاد استبداد، ظلم و

۱. «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ (اعراف (۷): ۱۵۷).

بی‌عدالتی از سوی دیگر، سد راه این حرکت رهایی‌بخش باشند. برابر این جریان انحرافی، همواره خداوند مصلحانی را برانگیخته است، تا در راه احیای آزادگی و کرامت انسان گام بردارند.

عزت و کرامت انسانی در عرصه سیاسی اجتماعی، نمود بارزی دارد. نمود این عزت، بهره‌مندی وی از حقوق انسان آزاد و برابر است، تا سعادت و کمال خویش را پی‌گیری کرده و از اسارت دیگران رهایی یابد. این سعادت، در یک مدینه فاضله حاصل می‌شود. عضویت در چنین مدینه‌ای، حقوق و وظایفی را برای افراد فراهم می‌آورد که از آن به حق شهروندی تعبیر می‌شود.

در سنت اسلامی از مفهوم شهروندی با تعبیر مختلفی چون «راع» یاد شده است. حدیث شریف نبوی «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت»^۱ نمونه بارزی از چنین کاربردی است. تعبیر از راعی و رعیت در سنت اسلامی ریشه در اندیشه مسؤولیت حاکم در رسیدگی به امور مردم و پرورش آن‌ها برای نیل به سعادت دارد. «رعی» در این مفهوم به معنای پرورش دادن است. این تشبیه که ریشه در استعاره چوپانی و رمه دارد، از آن جهت برای حاکم و مردم به کار رفته است که چنین دغدغه‌ای را نشان دهد.

اما به تدریج در تاریخ اسلام با ظهور انحرافات و بازگشت برخی سنت‌های عصر جاهلی، حاکمان جبار و ظالمی پیدا شدند که نگاه آن‌ها به مردم، دیگر همچون کسانی نبود که می‌بایست آن‌ها را در راه خیر و فضیلت پرورش می‌دادند؛ بلکه آنان را همچون بندگان و خدم و حشمی تلقی می‌کردند که جزو اموال و دارایی‌های ایشان به شمار می‌رفتند. چنین انحرافی سبب شد تا با نادیده گرفتن استعاره چوپانی و پرورش برای حاکم، رعیت، مفهومی مطیع، فاقد حقوق و محروم تلقی شود و در

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۸.

نتیجه مفهومی منفی بیابد.

تجربه دنیای مدرن و تلاش انسان مدرن برای رهایی از قید و بند حاکمان ظالم و مستبد که گاه به نام دین استبداد و ظلم انجام می‌یافت، مفهوم جدیدی را به نام «شهروند» برجسته ساخت؛ البته شهروند، ریشه در سنت فکری یونان باستان داشته است؛ اما دنیای مدرن با محور قرار دادن انسان و نفی هر گونه حاکمیت غیر بشری تلاش کرد حقوق طبیعی بشر را در عرصه زندگی سیاسی - اجتماعی احیا کرده، با تلقی انسان‌ها به عنوان شهروندانی آزاد و برابر، به شیوه خود عزت و کرامت انسان شهروند را فراهم کند. دنیای مدرن غربی با شعار انسان محوری کوشید کرامت انسانی را تأمین کند؛ اما تجربه چند سده حاکمیت تفکر مدرن غربی نشان داد چنین شعاری عملاً با بریدن انسان از عالم قدسی و محور قرار گرفتن زندگی این جهانی به اسارت انسانی در عالم مادی انجامیده و عزت و کرامت واقعی انسانی را در دام هوس‌های زودگذر دنیوی به مخاطره انداخته است.

تجربه تلخ تاریخی و درونی جامعه اسلامی در غلبه ظلم و ستم و استعباد بندگان خداوند به دست حاکمان ظالم، غاصب و مستبد از یک سو، و تهاجم تفکر دنیوی غربی به اندیشه و تفکر اسلامی از سوی دیگر، سبب شده است احیاگران مسلمان تلاش کنند با بازگشت به اصل اسلام و زدودن انحرافات و خرافات از آن، دوباره عزت و کرامت انسانی را در پیوند با عالم قدسی احیا نمایند. انقلاب اسلامی و اسلام‌گرایی معاصر، تلاشی در این زمینه بوده است؛ اما کرامت و عزت واقعی انسان مؤمن در مدینه فاضله اسلامی و دولت مهدوی علیه السلام محقق خواهد شد. در چنین مدینه‌ای اعضای جامعه اسلامی از حقوق شهروندی برخوردار شده و هر گونه قید بندگی برابر دیگران برداشته خواهد شد. توصیف دولت کریمه در فقره مذکور دعای افتتاح، حاکی از تحقق عزت انسانی در پیوند با عالم قدسی در دولت کریمه است.

پرداختن به الگوی شهروندی در دولت مهدوی علیه السلام و چگونگی تحقق کرامت انسانی برای انسان معاصر، حایز اهمیت است. از یک سو با تبیین این مسأله، شناخت مناسب و درستی از مدینه فاضله اسلامی به دست می آید و اشتیاق منتظران را به آن مدینه افزایش می دهد و از سوی دیگر، در زندگی معاصر نیز این امر راهگشا است. مدینه فاضله اسلامی، الگویی ناب است که تمسک بدان، زندگی معاصر را نیز دگرگون ساخته و انسان را به سعادت خواهد رساند. بدون تردید در فضای امروز جوامع اسلامی که هنوز آثار و رگه هایی از اندیشه ها و دیدگاه های غربی حاکم است، تمسک به الگوی شهروندی در دولت کریمه، می تواند آن ها را به هویت اصیل خویش رهنمون گشته و از بحران های معاصر نجات دهد.

در عصر حاضر، برجسته ترین الگوی شهروندی که دستاورد تمدن غرب نیز محسوب می شود، الگوی شهروند لیبرال دموکرات است که به عنوان شهروندی فعال در عرصه زندگی سیاسی مشارکت می کند و از حقوق کامل شهروندی بر اساس مبانی حقوق بشر غربی برخوردار است؛ اما - چنان که گذشت - چنین الگویی ناقص است و انسان را صرفاً به زندگی دنیوی معطوف می کند. همچنین در چنین الگویی، با غلبه فردگرایی مصالح جمعی کم رنگ می شود؛ اما طبق الگوی کامل شهروندی در مدینه فاضله مهدوی انسان ها، هم از حقوق انسانی فطری خویش برخوردارند و هم رابطه گسسته بشر امروز را با عالم قدسی به رابطه ای قوی و عمیق تبدیل می شود. در چنین نظامی کرامت انسانی از طریق برخورداری از هدایت الهی انسان کامل که او را به سمت سعادت دنیوی و اخروی رهنمون می شود، به دست خواهد آمد. بزرگ ترین کمال انسان، اتصال با عالم قدسی است که چنان که در فقره دعای شریف افتتاح آمد، کرامت انسان با اطاعت خداوند و دعوت دیگران به عبودیت الهی به دست خواهد آمد.

پیشینه شهروندی در سنت اسلامی

عضویت جامعه اسلامی، یکی از مباحث مهم اجتماعی اسلام است. تنها معیار عام عضویت در جامعه اسلامی؟ پذیرش پیام آسمانی اسلام است. با پذیرش توحید و اقرار به رسالت پیامبر اسلام ﷺ هر مسلمانی حقی مساوی با دیگران در جامعه اسلامی می‌یابد. اساسی‌ترین حق هر عضو جامعه اسلامی، حفظ جان، مال و ناموس او است. در اسلام، هیچ حق نژادی، عشیره‌ای پذیرفته نشده است. تنها معیار برتری برای اعضای جامعه اسلامی، تقوا است. عضویت در شعوب و قبایل و اقوام به تصریح قرآن کریم، تنها به منظور تمایز و شناسایی بین افراد و اقوام است و هیچ مزیتی برای فرد به شمار نمی‌رود.^۱ پیامبر اسلام ﷺ با حذف تبعیض‌ها و امتیازات جامعه جاهلی، جامعه اسلامی را بر اساس مساوات و برابری تمام اعضای مسلمان آن، بنا نهاد.

حرمت و حق برادر مسلمان در نگرش اسلامی بسیار زیاد است. در روایات وارده، حرمت مؤمن، بزرگ‌تر از حرمت کعبه دانسته شده است؛^۲ از این رو احترام برادر مؤمن، ضرورتی اساسی دارد. در فرهنگ اسلامی - بر اساس نص صریح قرآن کریم - مومنان با یک‌دیگر برادرند.^۳ برادری مؤمنان بدین سبب است که هنگامی که نخستین جامعه اسلامی به دست مبارک پیامبر گرامی اسلام ﷺ تأسیس شد، از جمله نخستین اقدامات آن حضرت، ایجاد پیمان برادری میان انصار و مهاجران بود. جامعه اسلامی، از این جهت با احترام به یک‌دیگر و محبت دینی آغاز شد. در چنین جامعه‌ای، هر کدام از افراد جامعه حقوق و وظایفی، دارد. چنین حقوق و وظایفی هم در رابطه اعضای جامعه با یک‌دیگر برقرار می‌باشد و هم در روابط اجتماعی و

۱. حجرات (۴۹): ۱۳.

۲. نک: شیخ الصدوق، *خصال*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم، منشورات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲ ش، ص ۲۷.

۳. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ (حجرات (۴۹): ۱۰).

سیاسی بین افراد و حاکمان جامعه اسلامی مطرح است.

اهمیت شهروندی در سنت اسلامی تا بدان جهت اهمیت دارد که پیامبر گرامی اسلام ﷺ تصریح فرموده است که فرد مسلمان، نمی تواند برابر امور برادران مسلمان خویش بی تفاوت باشد. آن حضرت، هر کسی را برابر دیگران مسؤول دانسته است.^۱ آغاز فعالیت روزانه مسلمان نیز با اهتمام به مسائل جامعه می باشد. در احادیثی امام صادق علیه السلام تصریح فرموده است:^۲

در سیره سیاسی اجتماعی معصومان علیهم السلام نیز اهتمام به حقوق مردم و افراد جامعه بسیار زیاد بوده است. این امر، مبتنی بر تکریم دیگران و حفظ حرمت و حقوق آنها بود. در سیره مبارک پیامبر گرامی اسلام در موارد مختلفی چنین حقوقی برجسته شده است. آن حضرت همواره همراه تکریم، با دیگران برخورد کرده و مسلمانان را به اکرام دیگران فرا می خوانده است. آن بزرگوار، در توصیه ای می فرمود: «هر کس برادر خویش را گرامی دارد، خدای را گرامی داشته است».^۳

نظریه ها و الگوهای شهروندی

شهروندی مفهومی عام بوده و به عضویت افراد در جامعه برمی گردد. در سنت های گذشته، همواره عضویت اجتماعی به صورت های مختلفی مطرح بوده است. در سنت غربی، شهروندی ریشه در یونان باستان دارد. در یونان باستان، شهروند، در جایگاه عضو جامعه سیاسی، دارای حقوق و ویژگی های شهروندی شناخته شده ای بود. در دنیای مدرن، شهروندی اهمیت مضاعفی یافت و نظریه های مختلفی در باب آن مطرح شد. به رغم تحولات شهروندی در طول تاریخ و پیدایش مفاهیم و نگرش های مختلف درباره آن، از منظری کلان می توان تمام دیدگاه های

۱. محدث نوری، پیشین.

۲. «من اصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم»؛ (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۸).

۳. «من اکرم اخاه فانما یکرم الله»؛ (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۹).

شهروندی را به مسأله جایگاه فرد در یک نظام سیاسی ارجاع داد. در تفکر مدرن، ریشه اساسی شهروندی در «اقدامی است که فرد در جهت قدرت بخشی به خود در برابر محیطی که در آن زاده شده است، انجام می دهد».^۱ شرط دیگر شهروندی از نظر آنان، پذیرش ظرفیت عقلانیت انسانی است. «شهروندی به مثابه قدرت بخشی و سلطه بر یک زمینه تهدید کننده، بر اولویتی متکی است که به ظرفیت عقلانیت انسانی داده می شود».^۲ برخی کوشیده اند این مفهوم را با بهره گیری از مفهوم هگلی «نیاز به به رسمیت شناخته شدن» توضیح دهد. شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است نیاز انسان را به «به رسمیت شناخته شدن» ارضا کند.^۳

در برخی مطالعات جدید تلاش شده است نظریه های شهروندی بر اساس این چهار مؤلفه اصلی بررسی گردد: بستر، گستره، محتوا و عمق. بحث نخست به بررسی بستر شکل گیری ایده شهروندی در جوامع مختلف برمی گردد.^۴ علاوه بر دیدگاه فوق، الگوهای دیگری نیز برای تقسیم بندی نظریه های شهروندی مطرح شده است. به نظر می رسد با ترکیب دیدگاه های مختلف می توان الگوی جدیدی را با هفت محور بستر، مبنا، محتوا، عمق، نوع، گستره و غایت شهروندی به صورت زیر برای شهروندی پیشنهاد کرد (بنگرید: جدول ۱). هر کدام از محورهای این الگو، ناظر به بعد خاصی از مسأله شهروندی هستند:

۱. بستر شهروندی. مراد از این شاخصه - چنان که در الگوی فالكس نیز آمده است - فضای شکل گیری ایده شهروندی می باشد. اینجا، بسترهای مختلفی را می توان برای شکل گیری شهروندی شناسایی کرد؛ مثل بستر جامعه سنتی - برده داری

۱. کاستلز، استفان و دیویدسون، آلیستر، ۱۳۸۲، *مهاجرت و شهروندی*، فرامرز تقی لو، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۹۴.

۲. همان، ص ۹۵.

۳. نک: فالكس، کیث، ۱۳۸۱، *شهروندی*، محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر، ص ۱۳.

۴. همان، ص ۱۷.

یا فتودالی، بستر دینی، بستر بورژوازی (سرمایه‌داری).

۲. **مبنای شهروندی:** مبنای شهروندی، ناظر به منظر نگرش به شهروندی و حقوق و تعهدات مربوطه می‌باشد. با توجه به وجود نظریه‌های مختلف در مشروعیت، می‌توان گونه‌های مختلفی را برای شهروندی به دست آورد؛ البته در برخی از این نظریه‌ها شهروندی کاملاً رقیق شده و تضعیف می‌گردد؛ اما اگر شهروندی را در معنای عام آن در نظر بگیریم، می‌توانیم تناسبی بین این نظریه‌ها و الگوی شهروندی بیابیم. نمونه‌هایی از مبانی شهروندی عبارتند از: شهروندی مبتنی بر نگرش سستی به مشروعیت؛ شهروندی مبتنی بر آموزه‌های دینی و شهروندی مبتنی بر قرار داد اجتماعی. بحث از شهروندی بالا/پایین و شهروندی نخبه‌گرایانه/دموکراتیک به مبنای شهروندی برمی‌گردد.

۳. **محتوای شهروندی:** پرسش از محتوای شهروندی به نسبت تعهدات مزایا یا حقوق و تکالیف برمی‌گردد. گونه‌های مختلف شهروندی، دیدگاه‌های مختلفی را در باب این حدود و وظایف مطرح ساخته‌اند. این‌جا می‌توان بین شهروندی در الگوی ماقبل مدرن، لیبرال، پسا لیبرال و... مقایسه کرد.

۴. **عمق شهروندی:** عمق شهروندی به حدود اهمیت و دخالت شهروندی در حوزه خصوصی و عمومی مربوط می‌شود. نظام‌های مدرن، عمدتاً شهروندی را به حوزه عمومی مربوط دانسته و حوزه فردی - خصوصی در اختیار فرد قرار می‌گیرد. در یک تقسیم‌بندی اولیه، می‌توان الگوهای شهروندی را بر اساس میزان عمق شهروندی به دو گروه کلی شهروندی سطحی و عمیق تقسیم کرد. شهروندی سطحی، گونه‌ای از شهروندی است که در آن، افراد، احساس تعلق زیادی به عرصه عمومی اجتماعی نمی‌کنند و در نتیجه تعهدات زیادی را در این زمینه نمی‌پذیرند. از دیدگاه منتقدان نظام‌های لیبرالیستی غربی، فردمحوری در این نظام‌ها، موجب تضعیف تعهدات اجتماعی افراد شده است. در مقابل، در نظام‌هایی که دغدغه‌های

اجتماعی آن‌ها بیشتر است، تعهدات اجتماعی بیشتری برای افراد مطرح است و از این‌رو افراد، مسؤولیت‌هایی را در این زمینه می‌پذیرند. در جدول ۱ شهروندی عمیق و شهروندی سطحی مقایسه شده است. غالب نظام‌های دینی در الگوی شهروندی عمیق قرار می‌گیرند. این امر، به ویژه در تفکر اسلامی بارز است.

نمودار ۱: الگوی شهروندی سطحی و عمیق^۱

شهروندی عمیق	شهروندی سطحی
حقوق و مسؤولیتها متقابلا یکدیگر را حمایت می‌کنند؛ فعالانه؛ جامعه سیاسی (و نه لزوما دولت) به عنوان بنیان زندگی خوب؛ گسترش در زندگی عمومی و خصوصی؛ وابستگی متقابل؛ آزادی از طریق فضیلت مدنی؛ اخلاقی؛	حقوق برتر شمرده می‌شوند؛ منفعلا نه؛ دولت به عنوان یک شر ضروری؛ صرفا یک موقعیت عمومی؛ مستقل؛ آزادی از طریق انتخاب؛ حقوقی؛

۵. نوع شهروندی: هر کدام از نظریه‌های شهروندی، نگرش متفاوتی را درباره مشارکت شهروندان در عرصه سیاسی مطرح می‌کنند. نمونه‌های بارز نوع شهروندی را می‌توان در الگوهای شهروندی دموکراتیک و نخبه‌گرایانه یا شهروندی منفعل، شهروندی فعال و شهروندی متعهدانه یافت.

یکی از طبقه‌بندی‌های شهروندی، تقسیم آن، به دو گونه محوری شهروندی دموکراتیک و شهروندی نخبه‌گرایانه / انقیادپذیر می‌باشد. این دو گونه شهروندی، به چگونگی الگوی مشارکت سیاسی در یک جامعه نیز ارتباط دارد. در مباحث توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی، اغلب با بهره‌گیری از الگوشناسی فرهنگ سیاسی آلموند و همکاران وی، سه گونه فرهنگ در مشارکت سیاسی مطرح می‌شود.^۲ گونه نخست فرهنگ سیاسی محدود یا ده‌کوره است. شاخصه این الگو آن است که در آن «افراد

۱. همان، ص ۲۱.

۲. نک: عبدالعلی قوام، ۱۳۷۳، *سیاستهای مقایسه‌ای*، تهران، انتشارات سمت، ص ۷۲-۷۴.

نه برابر نهادهای سیاسی کشور و نیز مسائل و تصمیمات ملی احساس وابستگی می-کنند و نه تصویر روشنی از نظام سیاسی در ذهن دارند».^۱

الگوی دوم فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیادی است. در این الگو، مردم از نظام سیاسی آگاهی دارند «ولی به علت نبود نهادهای بیان و تجمع خواست‌ها و تقاضاها یا ضعف ساختارهای نهاده، افراد نمی‌توانند از کارایی سیاسی چندانی برخوردار باشند. در این فرهنگ نخبگان سیاسی سخنگوی خواستهای مردم هستند».^۲ الگوی مشارکت سیاسی تبعی را به دلیل پذیرش اقتدار نخبگان و تبعیت مردم از آن‌ها، مشارکت از بالا دانست. در سومین الگوی فرهنگ سیاسی مشارکتی یا فعال، مردم هم در سطح نهاده‌ها (طرح خواست‌ها و تقاضاها) و نیز داده‌ها (استراتژی‌ها، قوانین و طبقه‌بندی اولویت‌ها) نقش دارند و برابر رفتار نخبگان سیاسی حساسند. در این الگو شهروندان، از لحاظ روانی بر این باورند که می‌توانند به نظام سیاسی کمک کنند و در تصمیمات موثر واقع شوند. این الگوی مشارکت سیاسی، به مشارکت سیاسی از پایین و نقش‌آفرینی آحاد مردم معروف است.

در بحث آلموند، این سه گونه نوع آرمانی هستند و در عمل، شاهد ترکیبی از این الگوها در عرصه سیاسی هستیم. بهترین الگوی ترکیبی برای نظام‌های مدرن، ظهور یک فرهنگ مدنی مشارکتی فعال است که غالباً با جهت‌گیری‌های تبعی و محدود برابر مسائل سیاسی، متوازن می‌شود. این نوع فرهنگ، مناسب‌ترین فرهنگ برای یک نظام دموکراتیک تلقی شده است. در این نوع فرهنگ، افراد برای تبیین اولویت‌های خویش، به اندازه کافی در امور سیاسی فعالند؛ ولی در همه موارد مشارکت قادر به تأثیرگذاری بر رفتار نخبگان سیاسی نیستند. یکی از ویژگی‌های این فرهنگ، آن است که شهروند احساس می‌کند توانایی لازم را برای تحت تأثیر

۱. همان.

۲. همان.

قرار دادن حکومت دارد؛ اما غالباً ترجیح می‌دهد چنین نکند که این خود نوعی انعطاف‌پذیری برای حکومت به وجود می‌آورد.^۱

می‌توان گونه‌های شهروندی را از منظر منشأ مشارکت، بر اساس دو گونه الگوی مشارکت از بالا و مشارکت از پایین طبقه‌بندی کرد و آن‌ها را با دو گونه شهروندی دموکراتیک و نخبه‌گرایانه مقایسه کرد. برایان ترنر یکی از مؤلفه‌های مطرح در الگوهای شهروندی را بر اساس شکل شهروندی، شهروندی مبتنی بر رابطه از بالا یا پایین دانسته است.^۲ کاستلز و دیویدسون نیز از منظری کلان، تمام دیدگاه‌های مربوط به شهروندی را در دو گونه اصلی نخبه‌گرایانه و دموکراتیک طبقه‌بندی کرده‌اند (جدول ۲). هر کدام از آن‌ها مبتنی بر عقلانیت خاص خود هستند. سنت اول، یک سنت نخبه‌گرایانه است که با بینش مردمی به صورت خصمانه برخورد می‌کند. سنت دوم، سنتی دموکراتیک و مبتنی بر بینش مردم است. این سنت دوم تنها دیدگاهی است که به سهولت با گرایش به قدرت‌بخشی سازگار است؛ زیرا تنها این نظریه است که با جریان قدرت از پایین هماهنگی دارد. این در حالی است که سنت اولی، بر اساس خبرگان بنیان یافته است و مطابق با آن، قدرت تنها از بالا جریان می‌یابد و بنابر این از آن‌هایی که در پایین قرار می‌گیرند، باید قدرت‌زدایی صورت گیرد.

۱. همان، ص ۷۴.

۲. نک: سید محمود نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، *واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران* (۸۰-۱۳۷۶)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، رساله دکترای گروه جامعه‌شناسی سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳، ص ۳۲.

نمودار ۳-۱: الگوی شهروندی نخبه گرایانه / دموکراتیک

الگو	شهروندی نخبه گرایانه	شهروندی دموکراتیک
ویژگیها	مبتنی بر نقش نخبگان؛ جریان از بالا به پایین؛ قدرت زدایی از مردم؛	مبتنی بر بینش مردمی؛ جریان قدرت از پایین به بالا؛ قدرت بخشی به مردم؛

مبنای مشارکت در عرصه سیاسی در نگرش غرب، عمدتاً مبتنی بر محوریت انسان و حقوق وی می‌باشد. این امر به ویژه در نظام‌های لیبرال که فرد محور است، غلبه دارد. مشارکت سیاسی دموکراتیک (از پایین) که غالباً با شهروندی فعال همسان می‌شود، مبتنی بر اراده و خواست مردمی است. در این الگو، مشارکت با شکل‌گیری اراده‌های آزاد فردی و بر اساس حق تعیین سرنوشت مبتنی بر قرارداد اجتماعی و مستقل از اشراف یا الزام آوری منابع دیگر صورت می‌پذیرد. افراد، صاحب حق یا اختیار هستند که هر گونه که می‌خواهند رفتار کنند و در نتیجه حتی در صورت پذیرش حکومت دینی، این حضور و رأی آنان است که به حکومت، مشروعیت و اعتبار می‌بخشد. این جا مشارکت فعال ناشی از حضور ارادی و مطابق خواست و نظر افراد، فارغ از الزامات پیشینی یا فرافردی می‌باشد.

در برابر تقسیم‌بندی دوگانه شهروندی در بستر تفکر غربی به شهروندی دموکراتیک و شهروندی نخبه گرایانه می‌توان از سنخ جدیدی از شهروندی در بستر آموزه‌های اسلامی با عنوان «شهروندی متعهدانه» یاد کرد. شهروندی متعهدانه با «مشارکت سیاسی متعهدانه» پیوند دارد. محوریت شریعت و آموزه‌های دینی سبب تمایز ماهیت مشارکت در اندیشه اسلامی با الگوی مدرن غربی است. چنین تمایزی موجب می‌شود الگوی جدیدی را برای مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی با عنوان «مشارکت سیاسی متعهدانه» بیفزاییم. الگوی مشارکت سیاسی متعهدانه گونه‌ای از مشارکت در عرصه سیاسی است که حضور متعهدانه فرد را در عرصه سیاسی

با استناد به امور ماورای فردی - علاوه بر یک حق اجتماعی بودن - یک تکلیف اعلام می‌کند و از وی می‌خواهد تعهداتی را در عرصه سیاسی بپذیرد. در چنین نگرشی، حق و تکلیف و تعهد به مشارکت در عرصه سیاسی تلفیق یافته است. به نظر می‌رسد در سنت اسلامی رابطه حق و تکلیف به شیوه خاصی کنار هم تعریف شده است که آن را توأمان از نظام‌های دموکراتیک و اقتدارگرا متمایز می‌سازد.

۶. گستره شهروندی: بحث از گستره شهروندی به چگونگی باز یا بسته بودن برخورداری از حقوق شهروندی در یک جامعه و قلمرو آن برمی‌گردد. همچنین می‌توان از شهروندی واحد یا متکثر نیز بحث کرد. گستره شهروندی به صورتی دیگر به قلمرو شهروندی از حیث ملی‌گرایی یا شهروندی جهانی نیز مربوط می‌شود. در طول دو سده گذشته غالباً مرزهای ملی تعیین‌کننده گستره شهروندی بوده‌اند. با گذار به جامعه جهانی، الگوهای شهروندی جهانی نیز در حال گسترش است. نگرش ادیان به شهروندی، غالباً در نگرش‌های جهان‌شمول قرار گرفته است. در تفکر اسلامی نیز محدودیت‌های سرزمینی برای گستره شهروندی نظام اسلامی محوریت نداشته و مرزهای شهروندی، اعتقادی و دینی هستند. اسلام در آینده‌نگری خود، الگویی از شهروندی جهانی را مطرح ساخته است؛ بدین سبب نگرش اسلامی از منظر گستره شهروندی، پذیرش و ترویج شهروندی جهانی است.

۷. غایت شهروندی: در نظریه‌های مختلف شهروندی، دیدگاه‌های مختلفی در باب غایت شهروندی مطرح شده است. غایت شهروندی، خود به غایت نظام سیاسی و جامعه بستگی دارد. به صورت اجمالی می‌توان غایات مطرح شده برای شهروندی را غایت رفع نیاز در جوامع سنتی، زمینه‌سازی فضیلت، آزادی یا نفی سلطه و سیطره دانست.

تعریف شاخصهای شهروندی و مصادیق آن

شاخصها	تعریف شاخص	مصادیق
بستر	زمینه شکل گیری و طرح شهروندی	بستر دینی؛ سنتی؛ کشاورزی / فتودالی؛ مدرن
مبنا	مبانی نظری شهروندی با محوریت نظریه مشروعیت	مشروعیت الهی، سنتی، کاریزماتیک، قرارداد اجتماعی / دموکراتیک
محتوا	شرح حقوق و تکالیف ناشی از شهروندی	شهروندی دینی، شهروندی لیبرال، شهروندی سوسیالیستی و ...
عمق	میزان احساس و پابندی به جمع	شهروندی سطحی / عمیق
نوع	گونه‌های مطرح شهروندی	شهروندی نخبه‌گرایانه، دموکراتیک و متعهدانه
گستره	میزان شمول شهروندی	شهروندی اعتقادی، شهروندی محلی، شهروندی ملی، شهروندی جهانی
غایت	هدف از شهروندی	توزیع منافع؛ عدالت محوری؛ آزادی محوری؛ زمینه سازی سعادت و فضیلت

مبانی شهروندی در سنت اسلامی

شهروندی در معنای مدرن آن، از دستاوردهای دنیای مدرن تلقی می‌شود و از منظری غرب محور، الگوهای دیگر و ماقبل مدرن با چنین تعبیری یاد نمی‌شود؛ اما به نظر می‌رسد مسأله شهروندی امری عام و فراگیر است. شهروندی، حاکی از جایگاه فرد در عرصه سیاسی - اجتماعی بوده و حقوق و تعهدات وی را در عرصه عمومی بیان می‌کند. با چنین نگرشی می‌توان از الگوی شهروندی در جامعه اسلامی سخن گفت؛ از این رو لازم است جایگاه فرد در عرصه سیاسی و چگونگی عضویت وی در آن و حقوق و وظایف مربوطه وی از منظر منابع اسلامی و به ویژه سیره معصومان علیهم‌السلام بررسی شود. با مروری اجمالی به مبانی تفکر اسلامی می‌توان برخی از شاخص‌های کلان شهروندی را در نظام اسلامی شناسایی کرد.

۱. محوریت نقش رهبری دینی در جامعه اسلامی

یکی از محورهای اصلی مسأله شهروندی در تفکر اسلامی را می‌توان در مسأله نقش رهبری دینی در عرصه سیاسی - اجتماعی دانست. منشأ اهمیت یافتن نقش رهبری به قرآن کریم برمی‌گردد که بر لزوم اطاعت مسلمانان و مومنان از خداوند،

رسول وی و نیز اولو الامر تأکید کرده است. آیه شریف ۵۹ سوره نساء بر ضرورت اطاعت مردم از خداوند، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و نیز اولو الامر دلالت می‌کند: ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام تر است.

البته در باب مفهوم شناسی اولو الامر، اختلافاتی میان مذاهب اسلامی شکل گرفته است؛ اما در اصل مسأله اطاعت از پیامبر اسلام ﷺ و اولو الامر، اتفاق نظر وجود دارد. از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، مصداق اولو الامر امامان معصوم علیهم السلام هستند. در قرآن کریم، مسأله اطاعت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ به صورت دیگری نیز مطرح شده است. خداوند پیامبر ﷺ را حتی از خود مردم برتر و مقدم قرار داده است. «پیامبر، به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیک‌تر] است»^۱ محوریت نقش رهبری در جامعه اسلامی از منظر دیگری نیز برجسته شده و حایز اهمیت است. طبق روایات شیعی و سنی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ، شناخت امام زمان، مایز اسلام و جاهلیت معرفی شده است. طبق این احادیث هر کس بدون شناخت امام زمان خویش از دنیا برود، به مرگ جاهلی مرده است. این امر در نگرش شیعی کاملاً برجسته شده و طبق آن زمین، هیچ موقع خالی از حجت نیست. طبق این نگرش «لولا الحجة لساخت الارض باهلها» یعنی بدون حجت و امام معصوم زمین بر اهل خویش خشم می‌گیرد.^۲

۲. بیعت و مبنای وفاداری در جامعه اسلامی

مفهوم بیعت یکی از مفاهیم اسلامی است که بر فرایند ابراز وفاداری افراد به نظام

۱. «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» احزاب (۳۳): ۶ ترجمه فولادوند.

۲. نک: کافی، ج ۲.

سیاسی حاکم دلالت می‌کند. در سنت اسلامی، بیعت شیوه‌ای برای ابراز وفاداری افراد به حاکم بوده و به صورت فردی صورت می‌گرفته است. بیعت، امری فردی بود و از این رو فرد با بیعت خود با حاکم، عضوی از نظام سیاسی حاکم می‌شد و بیعت وی، حقوق و تکالیفی را بر عهده او می‌گذاشت. ماده بیعت از ریشه کلمه «بیع» به معنای خرید و فروش گرفته شده است. عرب‌ها هنگام خرید و فروش، با یک‌دیگر دست می‌دادند و این، نشان‌های از انتقال مالکیت کالا بوده است.^۱

بیعت در اسلام بر اساس اصول و احکام اسلامی صورت می‌پذیرد. طرفین با بیعت خویش، وفاداری خود را به اصول و احکام اسلامی نیز ابراز می‌دارند. در واقع، بیعت بر اساس رعایت احکام دینی منعقد می‌شود. از این رو بیعت، به احکام شرعی مشروط است و هیچ شرط دیگری را نمی‌پذیرد. سیره‌نویسان گزارش کرده‌اند که پیامبر اسلام ﷺ بیعت مشروط بنی عامر بن صعصعه را مبنی بر حاکمیت ایشان پس از پیامبر ﷺ نپذیرفت و آن را منوط به اراده و مشیت الهی کرد.^۲ حضرت علی ع نیز در شورای خلافت شرط عبدالرحمن بن عوف را مبنی بر بیعت با او بر اساس کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ و سیره شیخین نپذیرفت و تنها مبنای پذیرش خلافت را بر اساس کتاب خداوند و سنت نبوی دانست.^۳ همچنین آن حضرت در ادعای سهم‌خواهی طلحه و زبیر، ابتدا از مبنای بیعت آنان با وی پرسید و آنان گفتند که بیعت آن‌ها با وی برای مشارکت در قدرت بوده است. حضرت پاسخ داد: «شما بیعت کردید تا در توان و نیروی حکومت و استقامت در راه آن، شریک باشید».^۴ آن حضرت، همچنین در خطابی دیگر به آنان که خواهان مشورت با ایشان در

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ۱۴۰۸، ج ۷: ۳۶۵.

۲. نک: ابن هشام، *السيرة النبوية*، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۶۶.

۳. علامه امینی، *الغدير*، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۳۹۷ ق/ ۱۹۷۷ م، ج ۱۰، ص ۱۲۳.

۴. الدینوری، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۱.

امور بودند، فرمود:

پس وقتی که [خلافت] بر عهده من نهاده شد، به کتاب خدا و سیره و سنت رسول خدا نظر کردم و بر اساس راهنمایی کتاب و سنت عمل کرده و از آن‌ها پیروی کردم و به نظر شما و دیگران نیازی نداشتم؛ ولی اگر در موردی کتاب خدا و سنت پیغمبر حکمی را نیافتم و نیازمند مشورت شد، با شما مشورت خواهم کرد.^۱

۳. اصل شورا و مشورت در اسلام

اصل شورا و مشورت نیز طبق تصریح قرآن کریم یکی از ویژگی‌های جامعه مؤمنان است.^۲ همچنین در سیره پیامبر اسلام ﷺ نیز مشورت جایگاه خاصی داشته است و آن حضرت بنابر سفارش خداوند،^۳ در امور، به شور و مشورت با اصحاب خویش می‌پرداخت. اصل مشورت، در اسلام پذیرفته شده و امری غیر قابل انکار است؛ اما در حدود و ماهیت آن، اختلاف زیادی صورت گرفته است. با مطرح شدن الگوی دموکراسی در دنیای مدرن و گسترش آن به جهان اسلام در دو سده اخیر، بسیاری کشیدند آن را با شورا در اسلام، همسان یا حداقل سازگار قلمداد کنند.

۴. شهروندی و تعلق به امت اسلامی

یکی از تعابیر دارای تداویج‌های سیاسی در قرآن، واژه «امت» می‌باشد. تعبیر به امت در قرآن کریم به ویژه درباره جامعه اسلامی، بیانگر بُعد جمعی امت اسلامی است. چنین مفهومی به جای واژه ناسیونالیستی «ملت»، بر محوریت ایمان به وحی الهی پیامبر اسلام استوار است. تمرکز بر ایمان دینی به عنوان مبنای پیوند اجتماعی، جایگزین سنت‌های جاهلی نژاد، خون، قبیله، منشأ طبقاتی و امثال آن شد. امت اسلامی، بدین سان، همگی با پیروی از پیامبر اسلام ﷺ شناخته شده و در آغاز،

۱. شیخ طوسی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲. «و أمرهم شوری بینهم».

۳. «و شاورهم فی الامر و اذا عزمت فتوکل علی الله».

شخص پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جایگاه کانون هویت اسلامی قرار داشت. نمود بارز چنین شناسایی‌ای را می‌توان در صدر اسلام و تغییر نام یترب به مدینه النبی ﷺ یافت. با گسترش تعداد مسلمانان و فرارفتن قلمرو اسلامی از قلمرو جغرافیایی مدینه النبی ﷺ و استقرار شریعت اسلامی، این شریعت الهی و پیام آن حضرت، به کانون اصلی شناسایی مسلمانان تبدیل شد. این امر، با ارتحال آن حضرت و نهادینه شدن جامعه اسلامی تقویت شده و تداوم یافت. پیام‌های آسمانی اسلام نیز خود در شکل دادن به امت اسلامی موثر بوده است. تعبیری که در قرآن از جامعه اسلامی به عنوان امت یاد کرده است، مبنای هویت را از نژاد و قبیله، به پیروی از اسلام تغییر می‌دهد. در قرآن کریم، معیار اصلی امت واحده دینی، عبادت ربّ واحد دانسته شده است: «در حقیقت، این امت شما است که امتی یگانه است، و من، پروردگار شمایم؛ پس، از من پروا کنید»^۱.

در آیه ۹۲ سوره انبیاء نیز همین مطلب با مختصر تغییری مورد تأکید قرار گرفته است. در برخی آیات، به بیان ویژگی‌ها و صفات امت برگزیده نیز پرداخته شده است؛ همانند بهترین امت بودن به دلیل عمل به امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خداوند،^۲ امت وسط بودن و معیار و شاهد بر دیگر امم قرار گرفتن.^۳

در سنت نبوی ﷺ نیز ماهیت جمعی زندگی اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. در برخی تعبیر، آن حضرت بر توجه مسلمانان به دیگر برادران مسلمان خویش تأکید می‌کند. این امر، حاکی از مسؤولیت همگانی برابر یکدیگر است. تعبیر معروف آن حضرت، در این باره چنین است:^۴ در این سخن، از استعاره چوپانی

۱. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ؛ مؤمنون (۲۳): ۵۲.

۲. آل عمران (۳): ۱۱۰.

۳. بقره (۲): ۱۴۳.

۴. کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتہ؛ کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۴۶.

استفاده شده است. چنین استعاره‌ای در سنت‌های دینی دیگر نیز مطرح بوده است.^۱ رعیت در ادوار بعدی، مفهومی منفی یافته و بر بُعد اطاعت محض فرد از حاکمان یا اربابان دلالت می‌کند؛ اما آنچه در اصل چنین استعاره‌ای مورد توجه قرار داشته است، اصل رسیدگی به یک‌دیگر و مشارکت در تربیت و رشد همدیگر است. چوپان، همواره از گله خویش حفاظت کرده و در اندیشه رشد آن‌ها است. در چنین استعاره‌ای بعد سیطره و تسلط چوپان مطرح نیست. چوپان همانند خادمی است که با تلاش و کوشش خویش، وجودش را وقف رمة خویش می‌کند. چنین نگرشی با نگرش استیلاجویی ادوار بعد که در مفهوم رعیت پیدا می‌شود، کاملاً بیگانه است. طبق گزارش برخی روایات اسلامی، بیشتر انبیا به امر چوپانی اشتغال داشته‌اند. چوپانی فرصت مناسبی برای تمرین صبر و حوصله، رسیدگی به رمة و تلاش برای اصلاح امور آن‌ها بوده است. در احادیث دیگر، همچنین بر اهتمام به حل مشکلات برادران دینی و توجه به امور آن‌ها تأکید شده است. در حدیث نبوی ﷺ آمده است که: «من أصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»^۲ در حدیث مشابهی نیز آمده است: «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم»^۳.

مهدویت و کرامت انسانی

یکی از تلقی‌های رایج در باب مهدویت، برجسته‌سازی نقش عدالت در جامعه مهدوی ﷺ است. عدالت، یکی از کارکردهای اساسی جامعه مهدوی خواهد بود؛ اما به نظر می‌رسد در مقایسه با کارکردهای دیگر نقش کانونی ندارد. عدالت، جزو اهداف میان‌برد نظام مهدوی است. غایت اصلی جامعه اسلامی را می‌توان سعادت و تقرب به خداوند دانست. از این حیث عدالت، تنها زمینه‌ساز و جزو لوازم تحقق

۱. نک: برنارد لوئیس، *زبان سیاسی اسلام*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۲. کلینی، *اصول کافی*، ج ۲، ص ۱۶۳.

۳. همان، ص ۱۶۴.

سعادت نهایی می‌باشد. در فقره شریف دعای افتتاح نیز غایت دولت کریمه این امر دانسته شده است. در این دعا، غایت دولت کریمه عبارت است از عزت اسلام و اهل آن و ذلت نفاق و اهل آن. آرزوی شهروندان این جامعه چنین است که: «تجعلنا فیها من الدعاه الی طاعتک و القاده الی سبیلک و ترزقنا بها کرامه الدنیا و الاخره». از این رو کرامت دنیوی و اخروی مهمترین کارکرد مدینه فاضله مهدوی عجل الله تعالی فرجه است.

کارکرد اصلی دولت کریمه را می‌توان با کارکردهای نظام‌های دیگر مقایسه کرد. از یک منظر کلی، نظریه‌های سیاسی مختلف، دو غایت را تاکنون در محور توجه خود قرار داده‌اند. نظریه‌های کلاسیک که نمونه‌هایی از آن را در یونان باستان و اندیشه‌های دینی مسیحی و اسلامی می‌یابیم، غایت نظام سیاسی را فضیلت و سعادت می‌دانستند؛ هر چند آن‌ها در تعریف فضیلت با یک‌دیگر اختلاف‌هایی داشته‌اند. در مقابل، در نظریه‌های مدرن، غایت زندگی سیاسی و دولت، صرفاً تأمین و تضمین آزادی مردم در عرصه اجتماعی و حفظ منافع انسان‌ها می‌باشد. انسان مدرن، از ماکیاولی به بعد، در دغدغه نیل به آزادی است که به دو شیوه آزادی جمعی و فردی در نظریه‌های مدرن لیبرالیسم و سوسیالیسم دنبال شده است.^۱ اما در نظریه‌های اسلامی و دیدگاه اندیشمندان اسلامی غایت سیاست و زندگی جمعی فراهم‌سازی سعادت انسان است. حدیث معروف نبوی «الدنیا مزرعه الاخره»^۲ الهام‌بخش تمامی نظریات و دیدگاه‌های اجتماعی - سیاسی اسلامی بوده است؛ از این رو سیاست، نزد اندیشوران اسلامی، استصلاح خلق نامیده شده است. امام باقر علیه السلام فرموده است: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، قوای فکری مردمان را تمرکز دهد... و اخلاق آنان را تکامل بخشد».^۳

۱. ویلیام بلوم، *نظریه‌های نظام سیاسی*، احمد تدین، تهران، نشر آران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۰-۲۰.

۲. ورام ابن ابی فراس، *مجموعه ورام*، ج ۱، ص ۱۸۴، قم، انتشارات مکتبه الفقیه.

۳. «إذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد... و اکمل به اخلاقهم» (بحار الانوار، ج ۵۲: ۳۳۶).

در قرآن کریم نیز صفت بزرگ قیام کنندگان برای خداوند، اقامه ذکر خدا دانسته شده است. خداوند، در سوره حج، آیه ۴۱ در وصف این افراد می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

در این آیه، مراد از تمکن در زمین، دستیابی به قدرت و تأسیس نظام سیاسی مطلوب دینی است؛ بدین سبب است که امام باقر علیه السلام در حدیثی مصداق این افراد را اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دانسته‌اند. طبق این حدیث، مصداق بارز، دولت مهدوی علیه السلام است.

ابوجارود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: آیه «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» درباره مهدی علیه السلام و اصحاب اوست که مالک مشرق و مغرب زمین می‌شوند و این را ظاهر می‌کنند و توسط آنها بدعت‌ها باطل و نابود می‌شوند - همانطور که باطل حق را از بین برده بود - تا آنجا که هیچ ظلمی دیده نمی‌شود و امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌دهند.^۱

تزکیه و تعلیم در قرآن کریم، مهم‌ترین هدف پیامبر اسلام دانسته شده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۲ در حدیث شریف نبوی نیز غایت بعثت، اتمام مکارم اخلاق دانسته شده است: «قال رسول الله: إني بعثت لاتمم مكارم الاخلاق»^۳ از اولویت مکارم اخلاق در بعثت نبوی صلی الله علیه و آله می‌توان چنین استنباط

۱. فی رواية أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ» فهذه لال محمد الي آخر الاية، و المهدى و أصحابه يملکهم الله مشارق الأرض و مغاربها، و يظهر الدين و يميت الله به و بأصحابه البدع و الباطل كما أمت الشقاة الحق حتي لا يري اين الظلم و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر (نک: تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶).

۲. آل عمران (۳): ۱۶۴.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶: ص ۲۱۰.

کرد که امور دیگری چون تشکیل حکومت همگی در راستای این هدف می‌باشند. از این رو غایت دولت آرمانی اسلامی نیز باید همان سعادت و فضیلت اخلاقی باشد. از سوی دیگر، محوریت فضیلت‌گرایی را در جامعه مهدوی می‌توان با نقش رهبری دینی توضیح داد. برخلاف جریانات عقل‌گرای افراطی چون براهمه در گذشته و نیز جریانات دین‌ستیز معاصر که انسان را بدون نیاز به پیامبران و هادیان الهی قادر به تأمین سعادت و تنظیم زندگی این جهانی می‌دانند، در تفکر اسلامی، نقش هادی الهی برجسته است. نگاهی اجمالی به ادله اقامه شده برای اثبات نبوت عامه، گواه این مطلب است. در تفکر شیعی، امام، ادامه دهنده راه پیامبر است. انسان بدون امام در رسیدن به سعادت ناتوان است. حتی فراتر از زندگی اجتماعی - چنان‌که علامه حلی در کتاب *الالفین* استدلال کرده است^۱ - برای مکلف واحد نیز نیاز به امام ضروری است. در بعد اجتماعی نیز چنین نیازی شدیدتر خواهد بود و رهبر آسمانی راهنما و تنظیم‌کننده امور اجتماعی انسان‌ها است. در تمام ادیان، چنین نقشی بر عهده رهبر آسمانی است. برخلاف نگرش‌های غیر دینی به سرانجام تاریخ، در ادیان آسمانی همواره بر یک منجی آسمانی که نقش‌های سیاسی - اجتماعی ایفا می‌کند، تأکید شده است. برخلاف نگرش‌های آرمان‌گرایانه برخی از متفکران مدرنی چون کانت که معتقد بودند خود انسان‌ها مستقیماً بر اساس عقلانیت بشری جامعه آرمانی را خواهد ساخت، در تمام نگرش‌های دینی، منجی، فردی آسمانی و مبعوث شده از جانب خداوند محسوب می‌شود؛ از این رو در جامعه مهدوی نیز رهبری آسمانی نقش اساسی ایفا کرده و عملاً هدایت‌کننده تحول و دگرگونی سیاسی و استقرار توسعه سیاسی خواهد بود. در مکتب شیعی چنین دیدگاهی مبتنی بر جایگاه امامت است. اندیشوران شیعی، همواره بر ضرورت انتصاب الهی امام به

۱. علامه حلی، *الالفین*، نجف، منشورات المکتبه الحیدریه، ط ۲، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۹م، ص ۱۱.

دلیل وجود لزوم صفاتی چون عصمت و آگاهی از شریعت که امکان تشخیص آنها را برای مردم عادی نامیسر می‌سازد، تأکید کرده‌اند.^۱ در روایات اسلامی نیز نقش امام مهدی (عج) در احیای عدالت و نظام مطلوب مورد تأکید قرار گرفته است. در مهم‌ترین روایتی که فریقین بر آن اتفاق کرده‌اند، پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده است:

... سوگند به آن کس که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر از عمر این جهان حتی یک روز بیشتر نمانده باشد، خداوند، آن روز را آنقدر طولانی خواهد کرد که فرزندم، مهدی ظهور کرده و پهنه زمین به نور او روشن شود و حکومت او شرق و غرب گیتی را فراگیرد.^۲

چنان‌که از این حدیث و احادیث مشابه برمی‌آید، جامعه آرمانی اسلامی مبتنی بر محوریت رهبری آن است و رهبر نقش کلیدی در هدایت و راهبری جامعه دارد. مرکزیت رهبری، مستلزم کارکرد هدایت به سوی هدف خاصی است که در تفکر اسلامی این هدف عبودیت الهی و دستیابی به سعادت از طریق اتصال به ذات اقدس الهی می‌باشد. این، همان غایت تزکیه و تعلیم در بعثت انبیا نیز می‌باشد.

سعادت و الگوی شهروندی متعهد در دولت مهدوی (عج)

در نگرشی کلان، الگوی شهروندی مدینه فاضله مهدوی را می‌توان از گونه شهروندی متعهد دانست. در الگوی شهروندی نظام مهدوی انسان‌ها از حقوق انسانی الهی - فطری تحت رهبری الهی انسان کامل و امام معصوم برخوردار بوده و با نفی هرگونه بندگی برابر طاغیان، مشارکت متعهدانه‌ای در قلمروی جهانی، در عرصه زندگی سیاسی - اجتماعی برای زمینه‌سازی سعادت دنیوی و اخروی خود و دیگران

۱. سیدمرتضی، *الشافی فی الامامة*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق: ج ۱.

۲. شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی جماعت مدرسین قم، ۱۴۰۵ - ۱۳۶۳ ش، ج ۱: ۲۸۰.

خواهند داشت و همدیگر را به اطاعت و تقرب به خداوند فرا خواهند خواند. با تمرکز بر محورهای هفتگانه شهروندی، شاخصه‌های شهروندی را در دولت کریمه مهدوی به شرح زیر می‌توان توضیح داد:

۱. بستر شهروندی در دولت کریمه

شهروندی در دولت کریمه مهدوی ﷺ در بستری دینی مطرح می‌شود. نظام مهدوی، یک آرمان شهر دینی است که بر اساس آموزه‌های دینی ارائه شده است. بر خلاف الگوهای شهروندی دیگر که در بسترهای اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی خاصی مطرح گشته‌اند، الگوی شهروندی مهدوی فارغ از ویژگی‌های جغرافیایی-اقتصادی رهنمودی دینی برای شرایط زندگی آرمانی و پیروزی کامل حق بر باطل می‌باشد. در این نگرش، معیار نگرش به زندگی، توحیدی بوده و فارغ از تمایزات طبقاتی، جغرافیایی و قومی ایمان معیار امور است؛ بدین سبب تعلقات دیگر انسان‌ها از قبیل نژاد، طبقه نسبت به ایمان، کاملاً حاشیه‌ای است. در قرآن کریم به این امر تصریح شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۱

در جوامع سنتی، شهروندی به شیوه خاص این جوامع مبتنی بر تعلقات خونی و نژادی بوده است. در جوامع فئودالی و سرمایه‌داری مدرن نیز اقتصاد، گرایش‌های خاص فکری انسان‌محورانه، زمینه‌ساز بستر شهروندی بوده است. در جوامع مدرن، شهروندی در مقایسه با جوامع دیگر برجستگی بیشتری داشته است و افراد در جوامع از حقوق امتیازات نظام یافته برخوردار شدند؛ اما در جامعه اسلامی این حقوق و وظایف به شیوه عمیق‌تری در قالب امت واحد اسلامی و تعاون و مسئولیت همگانی مطرح شده است. همچنین بر خلاف بستر نفع‌طلبی و لذت‌جویی که تعیین‌کننده

۱. حجرات (۲۱): ۱۳.

احترام به اراده و حقوق آحاد جامعه بوده است، در شهروندی مهدوی همه انسان‌ها با اشتیاق و با نگاهی متعالی و در جست‌وجوی سعادت و کمال نهایی شرکت کرده و در این راستا از حقوق و وظایفی برخوردار خواهند بود؛ از این‌رو بستر دینی شهروندی در نظام مهدوی، موجب اولویت یافتن ایمان به خداوند و تلاش برای تقرب به وی شکل گرفته است. چنین بستری در فضای تکامل عقلانی انسان‌ها فراهم می‌شود؛ بدین سبب است که در جامعه مهدوی، عقول و احلام شهروندان جامعه کامل شده و آن‌ها خیر را طلب می‌کنند. از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «اذا قام قائمنا وضع الله یدیه علی رؤوس العباد، فجمع بهما عقولهم و کملت به احلامهم»^۱ طبق برخی روایات، خداوند دست خویش را بر سر بندگان می‌نهد و عقول آن‌ها را کامل می‌سازد و در برخی روایات، این امر، به خود حضرت نسبت داده شده است.

۲. مبنای شهروندی در نظام مهدوی

اساس و مبنای شهروندی در دولت مهدوی، مبتنی بر اراده و حاکمیت الهی است. منشأ حقانیت و مشروعیت حقوق و وظایف شهروندی مستقیماً از خداوند نشأت می‌گیرد. در قرآن کریم و آیات مربوطه از جامعه آخر الزمان به جامعه بندگان صالح خداوند یاد شده است. در قرآن کریم بر این امر تصریح شده است:^۲

از این‌رو جامعه آرمانی مهدوی، جامعه‌ای دینی خواهد بود. در روایات اسلامی، آمده است که اسلام به دست آن حضرت در سراسر گیتی گسترش خواهد یافت و همه جای جهان مملو از پیام آسمانی اسلام خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود:^۳ «اگر کره زمین، دو نفر ساکن داشته باشد، قطعاً یکی از آنان، حجت خداوند خواهد بود» در حدیث دیگری نیز فرمود: اگر بشریت در دو تن محدود شود، یکی از آنان قطعاً

۱. منتخب‌الایثار، ج ۱۱۷۹.

۲. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ انبیاء (۲۱): ۱۰۵.

۳. «لو لم یبق فی الأرض الا رجلان لکان أحدهما الحجة...»؛ کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

امام معصوم خواهد بود»^۱. در ادامه فرموده است: «آخرین نفری که دار فانی را وداع می‌کند، امام معصوم است»^۲. محوریت امام معصوم علیه السلام در آرمان‌شهر شیعی، دلیل بارز ابتدای مشروعیت آن، بر حضور او است؛ از این رو است که در روایات اسلامی، آرمان‌شهر تنها به دست یک منجی الهی محقق خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام بر این امر تصریح کرده است.^۳ وقال عليه السلام: «لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتي يبعث الله فيه رجلا من ولدِي، يواطئ اسمه اسمي، يملؤها عدلا وقسطا كما ملئت ظلما وجورا»^۴

۳. محتوای شهروندی

محتوای شهروندی به حقوق و وظایف شهروندی در جامعه مهدوی مربوط می‌شود. محتوای شهروندی را می‌توان بر اساس روایاتی که به توصیف یاران آن حضرت پرداخته‌اند، استخراج کرد.

۱. *استقامت و پایداری*: صفت بارز این شهروندان، آمادگی ایثار و شجاعت در راه خداوند است. حضرت علی علیه السلام در حدیثی فرموده است: «آنها همچون شیرانی که از بیشه خود خارج شده‌اند، بر گرد آن حضرت، حلقه می‌زنند آنان به راستی مانند پاره آهنی هستند که اگر بر متلاشی کردن کوهها تصمیم بگیرند، آنها را نابود می‌کنند. آنان، خدای را آن گونه که شایسته است، به یگانگی می‌پرستند»^۵.
۲. *مشارکت در امر به معروف و نهی از منکر*: یکی دیگر از اوصاف بارز یاران

۱. «لو كان الناس رجلين لكان أحدهما الامام»؛ همان، ص ۱۸۰.

۲. «ان آخر من يموت الامام لثلا يحتج احدهم على الله عزوجل تركه بغير حجة الله عليه؛ یعنی آخرین نفری که دار فانی را وداع به ابدیت می‌پیوندد امام معصوم است» نعمانی، *الغیبه*، ص ۱۲۴.

۳. «لن تنقضى الأيام و الليالي حتي يبعث الله رجلا من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي، يملؤها عدلا و قسطا كما ملئت ظلما وجورا».

۴. شیخ مفید، *ارشاد*، ج ۲، ص ۳۴۰ - ۳۴۲.

۵. «كانهم ليوت قد خرجوا من غاباتهم مثل زبر الحديد، لو أنهم هموا بآزالة الجبال الرواسي لآزالوها عن مواضعها فهم الذين وخذوا الله حق توحیده»؛ شیخ علی کورانی عاملی، *معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام*، قم، مؤسسه معارف اسلامیة، ج ۳، ۱۴۱۱، ص ۹۴.

حجت، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه^۱ می‌فرماید:

برای آل محمد صلی الله علیه و آله مهدی علیه السلام و اصحاب او، خداوند متعال مشارق و مغارب زمین را به تصرف آن‌ها درخواهد آورد، و دین را آشکار سازد، و خداوند متعال، به وسیله او و یارانش، بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برد، همچنان که سفیهان، حق را میرانده باشند، تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند کرد و عاقبت کارها به دست خدا است.

۳. اتحاد و برادری یاران: از دیگر ویژگی‌های آنان، این است که اندیشه‌هایشان متحد و یگانه، دیدگاهشان همانند، دل‌هایشان به هم پیوسته و گره خورده است. اختلافی در رأی و اندیشه و گفتار آنان نبوده و در رفتار همگی یک‌دل و یک‌زبان هستند. از امیر مؤمنان علیه السلام در وصف ایشان آمده است: «گویی یک پدر و مادر آنان را پرورانده و دل‌هایشان لبریز از مهر و محبت و خیرخواهی است»^۲.

۴. ایمان و اطاعت از رهبری: امامت و رهبری، از ارکان دین میبن اسلام و محور و اساس همه کارها - اعم از عبادی و غیرعبادی - است. همه اعمال اعم از فردی و اجتماعی به نوعی وابسته به امامت است. مسلمانان صدر اسلام، با تبعیت از رهبری پیامبر گرامی اسلام توانستند از حضيض ذلت عصر جاهلی، به اوج عزت دوره اسلامی برسند. این، به سبب اطاعت از رهبری و تسلیم به پیام قرآن بود که فرمود: «و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا».

یاران حضرت ولی عصر علیه السلام نیز بالاترین درجه اطاعت از رهبری را دارند. به

۱. «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و امرؤا بالمعروف و نهو عن المنکر و لله عاقبه الامور» (حج (۲۲): ۴۱).

۲. «کأنما رتاهم ابٌ واحد وأمٌ واحدة، قلوبهم مجمعة بالمحبة والنصيحة»؛ همان.

توصیف امام صادق علیه السلام:^۱ در عشق به حضرت چنانند که زین مرکب او را برای تبرک جستن مسح می کنند و بر گرد او حلقه می زنند و در پیکارها او را با جان خود محافظت می کنند و هر دستوری دهد، او را بسنده اند.

۵. **الف** و **تواضع یاران**: آنان، نه به آفت غرور و مستی گرفتار می شوند و نه از شمار اندک همراهان و پیشتازان در نخستین مراحل قیام و ظهور آن حضرت احساس وحشت و تنهایی می کنند؛ زیرا انسانی که دارای ارتباط عمیق و خالصانه با آفریدگار توانای هستی است، با داشتن آن ارتباط و پیوند احساس وحشت نمی کند نیز از پیوستن دیگران به راه و رسم نجات بخش و افتخارآفرین خویش و بسیاری همراهان، مغرور نمی شود. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «خداوند، بین دل های آن ها الفت برقرار می کند. ایشان از کسی و قدرتی وحشت ندارند و نه به سبب پیوستن فرد یا قدرتی به گروهشان، دچار شادمانی و غرور می شوند».^۲

۶. **حضور کارآمد یاران** حضرت در عرصه سیاسی-اجتماعی: روشن است که مهم ترین وظیفه دولت امام مهدی علیه السلام ریشه کن کردن ستم و ستمگران از سطح جامعه و ساختن جامعه ای پاک و با طراوت در سراسر کره زمین است. پاک سازی جدی چنین جامعه ای از لوٹ وجود پلیدی های ناشی از دوری انسان ها از کرامت انسانی خویش، مستلزم درگیری با پایگاه های سلطه اهریمنانی است که منافع خویش را در جامعه دور از اولیای خدا یافته اند. فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که درباره یاران حضرت مهدی فرمود: برای او [= حضرت مهدی] گنجی است در طالقان که از جنس طلا و نقره نیست... مردانی هستند که استواری دل هایشان برای

۱. «یتمسحون بسرح الامام علیه السلام یطلبون بذلک البرکه و یخفون به یقونه بآئینفسهم فی الحروب و یکفونه ما یوید... هم اطوع له من الامه لسیدها» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸).
۲. «یؤلف الله بین قلوبهم، لا یستوحشون من أحد ولا یفرحون بأحد یدخل فیهم»؛ کورانی، پیشین، ص ۱۰۰.

دین خدا، همانند آهن است... خداوند متعال، به دست ایشان، امام و پیشوای حق را یاری می‌کند»^۱.

۷. *برخورداری از امنیت کامل*: امام مهدی علیه السلام پدید آورنده امنیت اجتماعی است؛ امنیتی که بشریت در تمام دوران تاریخ خود، مانند آن را نادیده است. او در جامعه عدالت‌بنیاد خود، همه معیارها و ضوابط غیر انسانی و نادرست را کنار می‌زند، و علل و عوامل دلهره، نگرانی، ترس را نابود می‌کند. بیم‌آفرینان و هراس‌انگیزان را از سر راه جامعه برمی‌دارد، و اعمال نفوذها و قانون شکنی‌ها را نفی می‌کند، و حرکت جامعه و روابط اجتماعی را بر پایه‌های قانون و عدل و احترام به حقوق و ارزش انسان استوار می‌سازد. در آن دوران سعادت‌بار، هیچ حقی تضییع نمی‌شود و هر کس در هر مقام به بیش از استحقاق خود، دست نمی‌یابد. همه چیز به اندازه و حساب و حق است. به معنای واقعی کلمه اراده آزاد انسانی در قلمرو درست و قانونی خود حرکت می‌کند، و انسان‌ها بی مانع، امکان تکامل و رشد را می‌یابند.^۲ در این جامعه، انسان به انسان نزدیک می‌شود و دوستی و مهرورزی، جای کینه‌توزی و دشمنی را می‌گیرد. تضاد، درگیری و تراحم، جایش را به رقابت سالم و آزاد و انسانی می‌دهد، و دارالسلام و جامعه امن و زندگی آرام و آسوده‌ای که نمونه زندگی در بهشت جاوید است، نصیب انسان می‌شود. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور فرمود: [این آیه،] درباره قائم و یارانش نازل شده است»^۳.

جامعه در دست مؤمنان قرار می‌گیرد و مؤمنان، مرزبانان حق و حقوق همگان و

۱. «له كنز بالطالقان ما هو بذهب ولافضة... و رجالٌ كأن قلوبهم زبرالحديد... بهم ينصر الله إمام الحق» (*بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۸).

۲. نک: محمود حکیمی، *عصر زندگی*.

۳. «فی معنی قوله عزوجل: «وعد الله الذين امنوا امنوا منهم... لیستخلفنهم فی الارض... و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمنا...»، قال: «نزلت فی القائم و اصحابه؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند... وعده داد که بیقین در روی زمین ایشان را خلیفه کند... و وحشتشان را به امنیت بدل سازد،...» (نک: *تفسیر نور الثقلین*، ج ۳، ص ۶۱۷).

برابر خدا و خلق، تعهدی ایمانی دارند. عمار ساباطی می گوید:

به امام صادق علیه السلام گفتم: «فدایت شوم! چرا ما در این زمان، آرزو کنیم که از یاران امام قائم در دوران آشکاری حق باشیم، و حال آنکه ما در این روزگار که در [دوران] امامت شما و پیروی از شما به سر می بریم، کارهایمان افضل از اعمال یاران دولت حق است؟ امام گفت: «سبحان الله! آیا دوست ندارید که خدای بزرگ، حق و عدالت را در آبادی ها آشکار سازد و حال عموم مردم را بهبود بخشد، و وحدت کلمه پدید آورد، و افکار ناسازگار را سازگار کند و خدای در زمین معصیت نشود، و حدود الهی میان مردم اجرا شود، و خداوند حق را به اهلش باز گرداند، و ایشان آن را آشکار کنند، تا این که هیچ چیز از حق، برای بیم از هیچ یک از مردمان، پنهان نگهداشته نشود؟»^۱

حضرت علی علیه السلام در توصیف امنیت اجتماعی در عصر قائم علیه السلام می فرماید: به دست ما حکومت ما روزگار سختی ها و تشنه کامی ها سپری شود... و چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها [بیرون رود]، حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن، با همه زیب و زیور خویش، از عراق در آید و تا شام برود و از هیچ چیز ترسد...^۲

۴. عمق شهروندی

ماهیت شهروندی در آرمان شهر مهدوی، از گونه شهروندی عمیق است. شاخصه شهروندی رقیق، حضور کم رنگ شهروندان در عرصه اجتماعی و اولویت یافتن خواسته های فردی است. در چنین الگویی، شهروندان، احساس تعلق اندکی به عرصه

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۶

۲. «...و بنا یدفع الله الزمان الکل... و لو قد قام قائمنا لذهبت الشحنة من قلوب العباد، و اصطاحت السباع و البهائم حتی تمشی المرأة بین العراق الی الشام... علی رأسها زینتها لا یهیجها سب و لا تخافه...»: (منتخب الاثر، ص ۴۷۴).

جمعی دارند و عمدتاً در جست و جوی آمال و منافع فردی خویش هستند. یکی از انتقادات وارد بر نظام‌های لیبرال معاصر را می‌توان تضعیف بعد اجتماعی زندگی سیاسی افراد به دلیل فردگرایی دانست. این امر، موجب انتقاد بسیاری از محققان معاصر شده است.

بر خلاف الگوی شهروندی رقیق، در جامعه مهدوی، احساس تعلق و ایثار در عرصه اجتماعی بسیار غالب است. یکی از مبانی دغدغه زندگی اجتماعی برای شهروندان تأکید اسلام بر اهتمام برادران مؤمن به رفع نیازهای یک‌دیگر است. امام کاظم علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: هر کس برادر مؤمنش حاجتی را به او عرضه کند، بی گمان این رحمت الهی است که به او روی آورده است. اگر آن را پذیرفت [و برای بر آوردن نیاز او اقدام کرد] خود را به ولایت ما پیوند زده است. و این [پیوند]، به ولایت خدا متصل است.^۱

در جامعه مهدوی (علیه السلام) ایثار و مواسات بین اخوان، موجب تقویت همبستگی اجتماعی یاران آن حضرت می‌شود. وحدت مقصد و اخلاص نیت، دل‌هایشان را با هم پیوند داده و یار و غمخوار یک‌دیگرند. آنان، برای یک‌دیگر خود را به رنج می‌افکنند و در بهره‌گیری از زیبایی‌های زندگی، دیگران را بر خود مقدم می‌دارند. به امام باقر (علیه السلام) گفته شد: «یارانمان در کوفه بسیارند. اگر فرمان دهی از تو اطاعت خواهند کرد». فرمود: «چنان هستند که هر کس بدون اجازه برادر دینی، از مال او نیازمندی خود را بر طرف کند؟» گفتند «نه». فرمود: «آنان که از بذل مال دریغ کنند، در نثار جان بخیل‌ترند؛ سپس افزود: «مردم، در صلحند، با آنان ازدواج کرده و از ایشان ارث بریم و برایشان اقامه حدود کرده و امانات آنان را ادا کنیم. زمان قیام قائم، دوران رفاقت فرا رسد. مرد، به سراغ مال برادر رفته، حاجت خود برگیرد و

۱. «من أناه أخوه المؤمن في حاجة، فانما هي رحمة من الله تعالى ساقها إليه، فان قبل ذلك فقد وصله بولایتنا، و هو موصول بولاية الله...» (کافی، ج ۲، ص ۱۸۹).

هیچ کس او را منع نکند».^۱

۵. نوع شهروندی

نوع شهروندی در نظام مهدوی را می‌توان از دو جهت شهروندی فعال و متعهدانه و نیز شهروندی از نوع دموکراتیک و نخبه‌گرایانه بررسی کرد. چنان‌که در بررسی معیارهای شهروندی گذشت، شهروندی با مشارکت سیاسی قابل مقایسه است. در نظام‌های مدرن، با گونه‌شناسی سه‌گانه شهروندی در سه الگوی شهروندی محدود، شهروندی منفعل و شهروندی فعال، عمدتاً بر شهروندی فعال تمرکز می‌شود. در حکومت عدل مهدوی، الگوی مشارکت سیاسی، هیچ کدام از سه الگوی فوق نیست. الگوی مشارکت سیاسی در چنین جامعه‌ای مشارکت سیاسی فعال متعهدانه است. در این الگو، افراد با آگاهی و مسئولیت اجتماعی در فرایند سیاسی مشارکت می‌کنند. از منظر اسلامی، تضمین مشارکت سیاسی فعال از طریق بیعت و همراهی با امامی معصوم و آگاه و عادل خواهد بود که با رهبری خود، زمینه انتخاب احسن را برای افراد در جامعه فراهم خواهد کرد. بیعت با امام معصوم علیه السلام، نه از سر روابط ناآگاهانه و تبعیت کور، بلکه به عنوان یک وظیفه و مسئولیت الهی و در نتیجه کاملاً آگاهانه و انتخاب‌شده خواهد بود. شهروندی متعهد، ضمن اقتضای حضور فعال شهروندان در عرصه اجتماعی، با تعهد آن‌ها برای حفظ و تأمین منفعت جمعی نیز همراه است. در نگرش غربی حضور فعال، صرفاً به منظور کسب منافع فردی و گروهی است؛ در حالی که در شهروندی متعهدانه، علاوه بر توجه به حقوق فردی، منافع جمعی اولویت داشته و افراد با دغدغه حفظ مصالح جمعی، در عرصه اجتماعی حضور می‌یابند.

تعهد اجتماعی ناشی از پابندی به حدود الهی است. اسلام، دین مرزها است و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

همه چیز در آن، قانون دارد. واجبات و محرمات، مرزهای دین خدایند حرکت در مرز، حرکت در راه است و تجاوز از آن، بیراهه و گمراهی. یاران مهدی، مرزبان دین خدایند و حافظان حدود او. آنان در اجرای فرمان‌های حق، سخت و پی‌گیر و استوارند و در انجام دستورها و وظیفه‌ها، دستخوش احساسات و دوستی‌های بی‌مورد واقع نمی‌شوند. قدرت و حشمت، آنان را مغرور نمی‌کند و سنگدلی دشمنان، ایشان را به افراط نمی‌کشاند. جنگ‌های مهیب و دشواری‌های نبرد، آنان را در عبادت، سهل‌انگار نمی‌کند و تهی‌دستی، ایشان را به مال‌اندوزی و تجاوز و انمی‌داری ندارد. نخستین شرط بیعت امام با یاران، حفظ حدود خدا است. علی علیه السلام می‌فرماید:

یاران، با این شرایط با امامشان بیعت می‌کنند که دست پاک باشند و پاکدامن، زبان به دشنام نگشایند و خون کس، به ناحق نریزند. به سکونتگاه مردم هجوم نبرند و کس را به ناحق نیازارند، بر مرکب‌های ممتاز سوار نشوند و لباس‌های فاخر نپوشند، مسجدی را خراب نکنند و بر مردم راه نبندند، به یتیم ستم روا ندارند و راهی را ناامن نکنند، شاهدباز نبوده و شراب ننوشند، در امانت، خیانت نکرده و پیمان شکن نباشند، احتکار نکنند و پناهنده را نکشند، فراریان را دنبال نکرده، مجروح را نکشند. ساده بزنند و در راه خدا به شایستگی جهاد کنند. امام نیز متعهد می‌شود بسان همراهان زندگی کند، دربان و حاجت‌برای خود نگیرد، به اندک قانع باشد و به یاری خدا در راه استقرار عدالت بکوشد و خدا را به شایستگی عبادت کند.^۱

نوع شهروندی دولت کریمه از منظری دیگر با شهروندی دموکراتیک و شهروندی نخبه‌گرایانه متمایز است. در شهروندی دموکراتیک، محوریت با انسانها است و خواسته‌های بشری تعیین‌کننده کلیت زندگی سیاسی-اجتماعی است و در نتیجه مشروعیت زندگی سیاسی بر قرارداد اجتماعی و رأی اکثریت می‌باشد؛ در

۱. الملاحم و الفتن، سید بن طاووس، ص ۱۴۹.

حالی که محوریت امام و حاکمیت اراده الهی در دولت کریمه، با چنین تلقی‌ای از شهروندی سازگاری ندارد.

شهروندی مهدوی، شهروندی صرفاً نخبه‌گرایانه همانند الگوهای موجود شهروندی نخبه‌گرایانه نیست. نخبه‌گرایی، با آن که بر اولویت و برتری نخبگان دلالت دارد و از این رو با شهروندی مهدوی که بر برتری امام مبتنی است، همسویی دارد، مفروض دیگر این گونه شهروندی جهل و ناتوانی شهروندان می‌باشد. این امر موجب پذیرش برتری نسبی نخبگان بر توده مردم شده و آنان رهبری جامعه را بر عهده می‌گیرند؛ اما در دولت کریمه مهدوی به نظر می‌رسد رویکرد دیگری مطرح است. در این الگو، امام به دلیل برخورداری از لطف و موهبت الهی انسانی کامل و معصوم است. عصمت امام، کارکردی است و به منظور رهبری جامعه خداوند چنین لطفی را به برخی از بندگان خویش اعطا کرده و آن‌ها را شایسته رهبری کرده است. در قرآن کریم، بر این لطف اشاره شده است. آیه تطهیر، نمونه بارز چنین لطفی به اهل بیت علیهم‌السلام است.^۱ در آیه مربوط به امامت حضرت ابراهیم علیه‌السلام خداوند امامت را عهد خویش دانسته است:^۲ حضرت مهدی علیه‌السلام نیز سید الاوصیا و الائمه می‌باشد و از این رو به لطف الهی برگزیده شده و مأمور تشکیل آرمان شهر اسلامی گشته است. اما از سوی دیگر، شهروندان دولت مهدوی، شهروندانی خبیر و آگاه بوده و آگاهی آن‌ها کاملاً گسترش یافته است. در احادیث مختلفی بر این امر تصریح شده است. در حدیثی امام صادق علیه‌السلام علم را ۲۷ بخش دانسته است که ۲۵ بخش آن، هنگام ظهور آن حضرت آشکار خواهد شد. همچنین این زمان، خداوند، اسماع و بصرهای مؤمنان را بسط خواهد داد و عقول و احلام آن‌ها کامل خواهد شد. از این

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛ احزاب (۳۳): ۳۳.

۲. «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ بقره (۲): ۱۲۴.

رو آرمان شهر مهدوی نه بر نقص شهروندان بلکه بر علم و آگاهی آن‌ها مبتنی خواهد بود. این امر، شهروندی مهدوی را از گونه شهروندی‌های رایج نخبه‌گرایانه متمایز می‌کند و تعبیر شهروندی متعهد شایسته‌ترین تعبیر برای چنین جامعه‌ای می‌باشد.

۶. گستره شهروندی

یکی دیگر از ویژگی‌های زندگی سیاسی در جامعه مهدوی علیه السلام گسترش قلمرو عرصه سیاسی به عرصه جهانی است. دعوت ادیان، همواره فراگیر و جهان‌شمول بوده است. برخلاف دو سده اخیر که جریانات ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه در دنیای غرب جهان را تحت تأثیر گذارده و مردم جهان را همانند موزاییکی به دولت-ملت‌های مختلف تقسیم و جدا کرده است. نظام اسلامی، ذاتاً نظامی جهان‌گیر و عالم‌گیر است. نخستین دولت اسلامی نیز قلمرو جغرافیایی محدودی نداشته و قلمرو دولت اسلامی عقیدتی و مبتنی بر مرز ایمان و کفر بود؛^۱ از این رو تنها یک دولت فراگیر اسلامی در نظریه سیاسی اسلام قابل تصور است؛ اما به مرور زمان، با اختلافات میان فرق و مذاهب مختلف عملاً دولت واحد اسلامی تجزیه شده و شاهد حاکمیت‌های متکثر و نظام‌های سیاسی متعدد در جهان اسلام شدیم. دنیای استعماری، با شکست خلافت عثمانی جهان اسلام را با شعارهای پوچ و ضد اسلامی ملی‌گرایی تجزیه کرد و عملاً جهان اسلام وحدت سیاسی خود را بیشتر از دست داده و بحران‌های متعددی را تجربه کرد.

اما - چنان‌که در نگرش‌های منجی‌گرایانه ادیان آمده است - دولت آخرالزمان، دولتی جهانی خواهد بود. با پذیرش اسلام از سوی تمام مردم جهان، دیگر هیچ مرزی میان مردم نخواهد بود؛ از این رو گستره توسعه سیاسی نیز محدود به مرزهای

۱. نک: عمید زنجانی، *فقه سیاسی*، ۱۳۷۳.

ملی نبوده و انسان‌ها دغدغه‌های مشترکی داشته و در مصائب و ناملایمات، کنار هم خواهند بود. زندگی سیاسی، دیگر نه معطوف به کسب منافع جمعی - گروهی؛ بلکه در راستای بشریت و صلاح تمام انسان‌ها خواهد بود. روایات متعددی بر قلمرو جهانی حکومت مهدوی دلالت دارند.

یکی از مباحث مهم در این زمینه، گسترش اسلام بر سراسر زمین است. هر چند در باب بقای ادیان آسمانی دیگر در عصر ظهور دو قول وجود دارد؛ قول راجح، آن است که همگی متدینان به آیین اسلام در خواهند آمد و کسی نخواهد ماند، مگر آن که اسلام آورده و تسلیم حق باشد. یکی از نام‌های مبارک حضرت مهدی (عج) «جامع الکلمة علی التقوی» می‌باشد.^۱ «مفضل» در ضمن حدیثی طولانی از امام صادق (ع) چنین نقل می‌کند: به خدا سوگند! ای مفضل! اختلاف، از میان ادیان برداشته می‌شود و همه به صورت یک آئین در می‌آید؛ همان گونه که خداوند - عزوجل - می‌گوید: «دین نزد خدا، تنها اسلام است...»^۲.

۷. غایت شهروندی

غایت شهروندی در جامعه مهدوی نیل به کرامت و سعادت است. برخلاف الگوهای شهروندی مدرن، در جامعه مهدوی افراد، سبقت به خیرات داشته و انگیزه اصلی آن‌ها تکامل اخلاقی و روحی است. سیمای دولت کریمه در دعای افتتاح نیز بر محوریت کرامت و سعادت در این جامعه مبتنی شده است. یاران حضرت، حتی هنگام قیام و جنگ نیز بر عبودیت الهی پایدار هستند. یاران مهدی، مردان عبادتند و نیایش و شیران روز و نیایشگران شب. به گفته فضیل بن یسار: «مردانی که

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۸۶.

۲. «... فوالله یا مفضل لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف و یکون الدین کله واحداً کما قال الله عزوجل ان الدین عندالله الاسلام...» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴).

سبک خوابند و در نماز، بسان زنبور عسل، زمزمه کنان.^۱ امام، در سفر و حضر، جنگ و صلح یاران را به تعب و تضرع سفارش می کند، تا مقصد فراموش شود و پیروزی های پیاپی، آنان را به غفلت و غرور دچار نسازد؛ همواره پیروزی را از جانب خدا بینند و مناجات و نماز را کلید نصرت او. امام باقر علیه السلام می فرماید: «چون بر فراز نجف برآید، به یاران خطاب کند: «امشب را به عبادت به روز آورید». آنان برخی در رکوع و برخی در سجده شب را به سحر می رسانند و به درگاه خدا تضرع می کنند». یا می فرماید: «گویا، قائم و یارانش را در نجف اشرف می نگریم؛ توشه هایشان به پایان رسیده و لباس هایشان مندرس شده است. جای سجده بر پیشانی شان نمایان است؛ شیران روزند و راهبان شب».^۲

امام صادق علیه السلام درباره اینان می فرماید:

مردانی که گویا دل هایشان پاره های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی آلود... همانند چراغ های فروزانند، گویا دل هایشان نور باران است. از ناخشنودی پروردگارشان، هراس دارند. برای شهادت، دعا می کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند».^۳

برای تبیین بهتر الگوی شهروندی در دولت کریمه مهدوی، می توان آن را با الگوی شهروندی نظام لیبرال مقایسه کرد. در جدول زیر تلاش شده است وجوه تمایز شهروندی آرمان شهر مهدوی بر شهروندی لیبرال ارائه شود.

۱. «رجال لاینامون اللیل لهم دوی فی صلاتهم کدوی النحل یبیتون قیاما علی اطرافهم رهبان باللیل اسد بالنهار» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸).

۲. «حتی اذا صعد النجف قال لاصحابه: تعبدو لیلکم فیبیتون بین راکع و ساجد یتضرعون الی الله» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳).

۳. رجال کان قلوبهم زبر الحدید لایشوبها شک فی ذات الله... کالمصابیح کان قلوبهم القنادیل و هم من خشیه الله مشفقون یدعون بالشهادة یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

مقایسه شهروندی در نظام مهدوی علیه السلام و نظام لیبرال

شاخصها	شهروندی مهدوی عج	شهروندی لیبرال
بستر	جامعه دینی و مبتنی بر اعتقادهای دینی	جامعه مدرن و مبتنی بر انسان محوری
مبنا	حاکمیت و مشروعیت الهی	مشروعیت مبتنی بر قرار داد اجتماعی
محتوا	وظایف و تکالیف ناشی از شریعت الهی	وظایف و تکالیف ناشی از اراده افراد
عمق	عمیق	سطحی
نوع	شهروندی متعهدانه	شهروندی فعال
گستره	جهان شمول	عمدتا ملی؛ قابل طرح در سطح جهانی
غایت	فضیلت؛ کرامت و سعادت	حداکثر آزادی فردی

خاتمه سخن

هر چند شهروندی به ظاهر مقوله‌ای جدید و مختص دنیای مدرن است، اما ایده شهروندی و عضویت افراد در عرصه اجتماعی از قبل در اندیشه اجتماعی مطرح بوده است. اسلام در جایگاه آخرین دین الهی و خاتم ادیان کامل‌ترین ایده را در باب شهروندی مطرح کرده است. الگوی شهروندی در جامعه اسلامی در مدینه النبی صلی الله علیه و آله مطرح و در جامعه علوی به صورت مبسوط‌تری مطرح شد.

الگوی آرمانی شهروندی در جامعه مهدوی محقق خواهد شد. شاخصه اصلی الگوی شهروندی در جامعه مهدوی علیه السلام، شهروندی متعهدانه خواهد بود که افراد آرمان‌شهر مهدوی ضمن برخورداری از حقوق الهی خویش، به صورت فعال و متعهدانه‌ای در عرصه اجتماعی شرکت خواهند کرد و غایت فعالیت‌های خویش را دعوت به خداوند و بسط دعوت الهی بر روی زمین قرار خواهند داد و خود، مظهر بندگان صالح خداوند خواهند بود که در قرآن نوید داده شده است.

الگوی شهروندی در آرمان‌شهر مهدوی، از جهات مختلفی بر الگوهای رایج غربی برتری دارد. چنان‌که گذشت، الگوی غالب شهروندی در جهان امروز، شهروندی لیبرال است که خود دچار نقص‌های جدی است. مهم‌ترین نقص چنین شهروندی‌ای، فردگرایی افراطی لیبرال در آن و دنیاگرایی نهفته در ورای آن است.

شهروندان متعهد جامعه مهدوی، ضمن حضور پرشور در عرصه اجتماعی و اهتمام به بعد اجتماعی امت اسلامی، رسیدن به رضوان و قرب الهی را مد نظر قرار خواهند داد و به پاداش مجاهدت خویش، خداوند چشمه‌های نعمت خویش را در این دنیا به دست خاتم الاوصیا، مهدی موعود علیه السلام، بر آنان خواهد گشود.